

تأثیر قدرت سود و نوع حسابرس بر عملکرد شرکت‌ها

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۰۴

کد مقاله: ۲۶۲۳۵

علی جعفری^۱، رحیم ملایی^۲، دریا مجیدی^۳

چکیده

عملکرد شرکت‌ها شاخصی از موفقیت کسب و کار است و اطلاعاتی را در مورد سلامت کلی آن در اختیار سرمایه گذاران قرار می‌دهد. علاوه بر این، تصویری از عملکرد مدیریتی و سلامت اقتصادی آن است. هدف اصلی این پژوهش بررسی تأثیر قدرت سود و نوع حسابرس بر عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد. این پژوهش از نظر هدف، از نوع کاربردی و از لحاظ روش شناخت، از نوع توصیفی است و در زمره پژوهش‌های شبه تجربی، همبستگی و پس‌رویدادی قرار دارد. نمونه آماری پژوهش شامل ۱۵۵ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۳ الی ۱۴۰۱ است. داده‌های مورد نیاز برای اندازه گیری متغیرهای پژوهش با استفاده از نرم افزار ره‌آورد نوین و اطلاعات موجود در وب سایت سازمان بورس و اوراق بهادار تهران گردآوری شده است. فرضیه‌های پژوهش از طریق مدل‌های رگرسیون خطی چند متغیره و داده‌های ترکیبی و نسخه دوازدهم نرم‌افزار ایویوز مورد تحلیل قرار گرفت. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که قدرت سود بر عملکرد شرکت‌ها تأثیر مثبت و معنی داری دارد. همچنین، تأثیر نوع حسابرس بر عملکرد شرکت‌ها به لحاظ آماری تأیید نگردید.

واژگان کلیدی: عملکرد شرکت‌ها، قدرت سود، نوع حسابرس

۱- گروه حسابداری، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران

۲- گروه حسابداری، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران

۳- گروه حسابداری، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران

۱- مقدمه

عملکرد به عنوان سازه ای است که نشان دهنده نتایج اقدامات شرکت‌ها می‌باشد. کارکرد معیارهای عملیاتی، مالی و اقتصادی جهت ارزیابی عملکرد بنگاه‌ها یک ضرورت به شمار می‌آید. از مهمترین اهداف بنگاه‌ها کسب سود در کوتاه‌مدت و افزایش ثروت اقتصادی مالکان در بلندمدت است. این مهم با اتخاذ تصمیم منطقی در فرآیند سرمایه‌گذاری امکان‌پذیر می‌شود. اتخاذ تصمیم منطقی رابطه مستقیم با ارزیابی عملکرد بنگاه اقتصادی دارد و ارزیابی عملکرد بنگاه‌های اقتصادی نیز نیازمند شناخت معیارها و شاخص‌ها است (رحمانی و غلامی جمکرانی، ۱۳۹۵). در کشورهای در حال توسعه مطالعات متعددی که اثرات ساختار مالکیت و انواع آن، کیفیت حسابرسی، عوامل جمعیت‌شناختی حسابرسان و تأثیر آن بر تردید حرفه‌ای حسابرسان، ترکیب هیئت مدیره و دوگانگی نقش مدیرعامل را نشان می‌دهند، مستند شده است. حاکمیت شرکتی سازوکار و ساختاری است که توسط شرکت برای کنترل مدیران و کمک به دستیابی به اهداف تعیین شده توسط سهامداران و سایر ذینفعان تنظیم شده است و یکی از اهداف اصلی افزایش عملکرد شرکت‌ها بوده است. بنابراین، عملکرد بالای شرکت و ایجاد ثروت پایدار برای سهامداران نیازمند یک سیستم حاکمیت شرکتی خوب است (اولسمیدی^۱، ۲۰۲۲).

سرمایه‌گذاران از سود به عنوان یکی از اقلام مهم و اصلی صورت‌های مالی یاد می‌کنند و سود و اجزای آن را به عنوان معیارهای اصلی ارزیابی شرکت‌ها می‌دانند. بنابراین، پیش‌بینی سود به عنوان یکی از اقلام مهم و اصلی صورت‌های مالی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. قدرت سود به سرمایه‌گذاران علامت می‌دهد که شرکت‌ها در مکان خوبی برای سرمایه‌گذاری بیشتر در آینده هستند. فاما و هایدایت^۲ (۲۰۱۹) بیان می‌کنند که «قدرت سود به سطح سود شرکتی اشاره دارد که انتظار می‌رود یک شرکت در آینده به دست آورد». بنابراین، قدرت سود عامل مهمی برای سرمایه‌گذاران برای ارزیابی ثبات مالی آینده‌محور شرکت‌ها است. علاوه بر این، این شاخص دوره قبل را با دوره آینده عملکرد شرکت‌ها پیوند می‌دهد.

یکی از ابزارهای بازار سرمایه وجود اطلاعات شفاف، کامل و باکیفیت می‌باشد. با توجه به اینکه هدف اصلی مدیران حداکثرسازی ثروت صاحبان سهام شرکت است و افشای اطلاعات، بهبود وضعیت مدیریت استانداردهای حسابداری، کیفیت گزارشگری مالی، کیفیت حسابرسی و افزایش نقدینگی و تقاضا برای سهام شرکت ممکن است ارزش شرکت را تحت تأثیر قرار دهد، محتمل است که مدیریت از طریق افشای بهتر اطلاعات و یا به عبارت دیگر بهبود کیفیت اطلاعات ارائه شده منجر به حداکثرسازی ارزش شرکت می‌گردد (خورشید و همکاران، ۱۴۰۱). علاوه بر این، السایق و همکاران^۳ (۲۰۲۰) اثرات زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی بر عملکرد پایداری را در کشورهای آسیایی که شامل کشورهای شورای همکاری خلیج فارس نیز می‌شود، بررسی کردند. این مطالعه نشان داد که اثرات زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی تأثیر قابل‌توجهی بر عملکرد این شرکت‌ها، مانند ساختار هیئت مدیره، پاداش اجرایی، فعالیت‌های کمیته هیئت مدیره و مشارکت سیاسی دارد. کیفیت حسابرسی یک مکانیسم مهم حاکمیت شرکتی است که به حل تعارضات نمایندگی کمک می‌کند. هر چه کیفیت حسابرسی بالاتر باشد، قابلیت اطمینان اعداد حسابداری برای تصمیم‌گیرندگان و همچنین نظارت بهتر بر رفتار فرصت طلب مدیران بیشتر است. بر این اساس، کیفیت حسابرسی از جنبه‌های مختلف توسط محققان مورد بررسی قرار گرفته است (اولسمیدی، ۲۰۲۲).

براساس مطالب ذکر شده در بالا، این پژوهش در پی یافتن پاسخ برای این سؤال اصلی است: قدرت سود و نوع حسابرسان بر عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران چگونه تأثیر می‌گذارند؟ با توجه به اهمیت این موضوع و وجود خلاء تحقیقاتی در این زمینه، انجام پژوهش حاضر ضروری بوده است. از نظر ارزش افزوده پژوهش نیز، انتظار است که نتایج پژوهش موجب بسط مبانی نظری عملکردها شرکت‌ها گردد.

۲- مبانی نظری پژوهش

۲-۱- عملکرد شرکت

یکی از مباحث مهم در مورد تجزیه و تحلیل اطلاعات مالی شرکت‌ها، سودآوری و عملکرد شرکت‌ها^۴ می‌باشد. عملکرد عبارتست از مجموعه فعالیت‌هایی جهت دستیابی بر اهداف سازمانی که با اعمال صحیح این فعالیت‌ها، نه تنها هدف‌ها و مأموریت‌های سازمان با کارایی مطلوب تحقق می‌یابد، بلکه منافع کارکنان و جامعه نیز تأمین می‌گردد (چن^۵ و همکاران، ۲۰۱۹). در سال‌های اخیر، در زمینه چگونگی رسیدن شرکت‌ها، به مزایای رقابتی و بهبود عملکرد، نه فقط حساسیت رقابت در بازار افزایش یافته، بلکه ماهیت آن نیز تغییر کرده است؛ چرا که توجه شرکت‌ها برای کسب عملکرد برتر و مزایای رقابتی، از سرمایه‌گذاری در منابع مشهود به سرمایه‌گذاری در منابع نامشهود سازمانی تغییر کرده است. معیار مناسب عملکرد شرکت، معیاری است که به میزان ثروت اضافی که شرکت برای سهامدارانش ایجاد می‌کند، توجه خاصی داشته باشد و افراد را در تصمیم‌گیری‌های مربوط به ایجاد ارزش یاری کند (تیموری و حسنی دستگرد، ۱۳۹۷).

ارزیابی عملکرد شرکت‌ها از مهمترین موضوعات مورد توجه سرمایه‌گذاران حقیقی و حقوقی می‌باشد. مدیران شرکت‌ها به منظور ارزیابی عملکرد خود و قسمت‌های تحت پوشش از معیارهای مختلفی استفاده می‌کنند. سرمایه‌گذاران به منظور ارزیابی میزان موقعیت در به‌کارگیری سرمایه آنها و تصمیم‌گیری در مورد حفظ، افزایش و یا فروش سرمایه‌گذاری مزبور، به ارزیابی عملکرد مدیریت علاقه‌مندند. هر چه اطلاعات بیشتری در دسترس باشد و هر چه مهارت بیشتری در استفاده از اطلاعات موجود وجود داشته باشد، ارزیابی صحیح‌تری از عملکرد شرکت‌ها انجام خواهد شد. در صورت نبود شناخت کافی از فعالیت‌های مختلف شرکت و فقدان معیاری مناسب برای سنجش عملکرد شرکت، نمی‌توان تصمیم‌گیری خوبی انجام داد. در صورتی که سرمایه‌گذاران از نتایج تصمیمات خود دچار ضرر و زیان شوند، ممکن است از بازار خارج شوند. یکی از پیامدهای مهم خروج سرمایه‌گذاران از بازار، کوچک شدن بازار و محدود شدن سرمایه تزریق شده به بازار خواهد بود. در صورت وقوع این امر، بازار سرمایه قادر به کمک به اقتصاد از طریق تزریق منابع لازم برای توسعه زیرساخت‌ها نخواهد بود. بنابراین، ارزیابی عملکرد شرکت‌ها یکی از مهمترین مسائل پیش روی سرمایه‌گذاران است و شناخت و تحلیل فعالیت‌های شرکت‌ها برای ارزیابی عملکرد، ضروری می‌باشد (مشایخ، ۱۳۸۲). اعتباردهندگان به منظور تصمیم‌گیری در مورد میزان و نرخ اعطای اعتبار، به ارزیابی عملکرد می‌پردازند (دهدشتی و همکاران، ۱۳۹۶).

۲-۲- قدرت سود

قدرت سود به سرمایه‌گذاران علامت می‌دهد که شرکت‌ها در مکان خوبی برای سرمایه‌گذاری بیشتر در آینده هستند. فاما و هایدایت (۲۰۱۹) بیان می‌کنند که «قدرت سود به سطح سود شرکتی اشاره دارد که انتظار می‌رود یک شرکت در آینده به دست آورد». بنابراین، قدرت سود عامل مهمی برای سرمایه‌گذاران برای ارزیابی ثبات مالی آینده‌محور شرکت‌ها است. علاوه بر این، این شاخص دوره قبل را با دوره آینده عملکرد شرکت‌ها پیوند می‌دهد. علاوه بر این، قدرت سود به چندین طرف نشان می‌دهد که مدیران آن شرکت‌ها، کسب‌وکار خود را از طرف سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و تصمیم‌گیرندگان دولت، به بهترین شکل ممکن، اداره می‌کردند. بنابراین، مدیران طبق قرارداد متعهد می‌شوند تا عملکرد شرکت‌ها را به حداکثر برسانند (اولسمیدی، ۲۰۲۲).

۲-۳- نوع حسابرس

وظیفه اعتبار بخشی حسابرسان در ارتقای قابلیت اعتماد و تأیید اطلاعات حسابداری، وظیفه‌ای خطیر برای انعکاس سودمندی اطلاعات برای تصمیم‌گیری و ارزیابی وظیفه مباشرت مدیر محسوب شود (بنی مهد و معافی، ۱۳۹۲). این وظیفه با تشکیل جامعه حسابداران رسمی و خصوصی‌سازی حرفه حسابرسی اهمیت ویژه‌ای در نظام مالی کشور ایران به خود گرفته است. پژوهش‌های گذشته نشان می‌دهند که با تشکیل جامعه حسابداران رسمی در کشور، رقابت در بازار حسابرسی رونق گرفته و به دنبال آن تغییر حسابرس و انتخاب حسابرس جدید، افزایش یافته است.

بر اساس فرضیه کیفیت اطلاعات، وظیفه حسابرس بهبود کیفیت اطلاعات حسابداری است. وظیفه‌ای که در نهایت موجب ارتقای سودمندی اطلاعات برای تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و سایر ذینفعان می‌شود. بر اساس این فرضیه هر چه کیفیت اطلاعات از طریق فرآیند حسابرسی افزایش یابد، در آن صورت هزینه سرمایه، عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه نمایندگی کاهش می‌یابد. همچنین، بر اساس فرضیه اندازه مؤسسه حسابرسی، کیفیت اطلاعات حسابداری شده در مؤسسات حسابرسی بزرگ نسبت به مؤسسات حسابرسی کوچک، بیشتر است. فرضیه اخیر به این نکته تأکید دارد که چون مؤسسات بزرگ حسابرسی، نیروی انسانی باتجربه و متخصص و همچنین بودجه کافی برای خرید برنامه‌های حسابرسی و آموزش کارکنان در اختیار دارند، لذا اطلاعات حسابداری را با کیفیت بیشتری حسابرسی می‌کنند (نیکومرام و احمدزاده، ۱۳۹۲؛ عزیزخانی و همکاران، ۲۰۱۰).

نوع حسابرس هر صاحب‌کاری، به لحاظ سطح کیفی خدمات حسابداری تابعی از عوامل مختلف است. نوع حسابرس، در برگیرنده سازمان حسابرسی و مؤسسات عضو جامعه حسابداران رسمی می‌باشد. سازمان حسابرسی به عنوان بزرگ‌ترین مؤسسه حسابرسی ایران (مؤسسه حسابرسی دولتی) به ارائه خدمات تخصصی مالی به بخش‌های دولتی و تحت نظارت دولت می‌پردازد. بنی‌مهد و وفایی (۲۰۱۲) در بررسی عوامل تعیین‌کننده انتخاب سازمان حسابرسی به عنوان حسابرس نشان دادند که متغیرهای اندازه شرکت مورد رسیدگی، سودآوری، مالکیت دولتی صاحب‌کار و نوع گزارش حسابرسی سال قبل از جمله عوامل تأثیرگذار بر انتخاب سازمان حسابرسی به عنوان حسابرس می‌باشند. به عقیده آنها خصوصی‌سازی حرفه حسابرسی، این انگیزه را در مدیران شرکت‌های نمونه پژوهش به وجود آورده است تا برای دریافت گزارش مقبول حسابرسی، حسابرس خود را از میان مؤسسات خصوصی حسابرسی انتخاب نمایند. وانگ و شین^۷ (۲۰۱۱) با مطالعه رابطه بین انتخاب حسابرس و کیفیت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار هنگ کنگ، دریافتند شرکت‌هایی که حسابرسی آنها توسط چهار مؤسسه بزرگ حسابرسی

انجام می‌شود از کیفیت سود بالاتری در مقایسه با سایر شرکت‌ها برخوردارند و شرکت‌هایی که توسط مؤسسات حسابرسی کوچک، حسابرسی می‌شوند، سود خود را کمتر از واقع گزارش می‌کنند.

۲-۴- قدرت سود و عملکرد شرکت‌ها

سرمایه‌گذاران به بهترین بازده پول سرمایه‌گذاری شده خود نیاز دارند. صورت مالی دارای یک متغیر ابزاری است که می‌تواند اطلاعاتی در مورد بازده آتی شرکت‌ها ارائه دهد. به عنوان مثال، قدرت سود، چشم‌انداز خوب بازده بالاتر را اندازه‌گیری می‌کند (فاتما و هایدایت، ۲۰۱۹). در این راستا، تمایل شرکت‌ها کسب بهترین سود است که هدف اصلی یک سازمان سودمحور می‌باشد. علاوه بر این، تحلیل‌گران صورت‌های مالی نگران قدرت سود شرکت‌ها برای تعیین و پیش‌بینی بازده در آینده خواهند بود. بنابراین، شرکت‌هایی با قدرت سود خوب بر عملکرد شرکت‌ها تأثیر خواهند داشت. ضارب ۹ (۲۰۱۶) سلامت مالی صنعت خطوط هوایی را قبل و بعد از بحران مالی از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۰۹ بررسی کرد. آنها شرکت‌های آمریکایی و غیرآمریکایی را مقایسه و از اندازه‌گیری قدرت سود برای بررسی استفاده کردند. تداوم سود شرکت‌ها نشان‌دهنده قدرت شرکت‌ها در حفظ در طول زمان در فعالیت‌های اصلی خود است. بنابراین، زمانی که شرکت‌ها فعالیت‌های عملیاتی خود را افزایش می‌دهند، دارایی‌ها به طور کارآمدتر مورد استفاده قرار می‌گیرند و در مقابل، بر عملکرد شرکت‌ها تأثیر مثبت می‌گذارند (اولسمیدی، ۲۰۲۲).

۲-۵- نوع حسابرسی و عملکرد شرکت‌ها

ویژگی‌های شرکت نظیر عملکرد شرکت، میزان بدهی‌های شرکت و ریسک مالی آن می‌توانند بر نوع حسابرسی مستقل آن تأثیرگذار باشند (لاورنس و همکاران، ۲۰۱۱). از سوی دیگر، وظیفه اصلی حسابرسان مستقل گواهی (شهادت‌دهی) و ارائه اطمینانی معقول و نسبی درباره کیفیت اطلاعات حسابداری صاحب‌کاران، به استفاده کنندگان از اطلاعات حسابداری است؛ از این رو ویژگی‌های سیستم حسابداری صاحب‌کاران و اقداماتی همچون مدیریت سود و مدیریت جریان نقد (دستکاری اطلاعاتی) نیز می‌توانند بر نوع حسابرسی آنها تأثیرگذار باشند (جیانگ و همکاران، ۲۰۱۵). به لحاظ نظری می‌توان استنباط کرد مواردی همچون میزان مدیریت سود و مدیریت جریان نقد، می‌توانند بر نوع حسابرسی شرکت‌ها تأثیرگذار باشند.

از میان نظریه‌های مرتبط با دانش حسابرسی، نظریه چانه‌زنی ارتباط نظری میان مدیریت سود و نوع حسابرسی را تأیید می‌کند. نظریه چانه‌زنی بیان می‌کند قدرت چانه‌زنی صاحب‌کاران با حسابرسان خرد بیشتر است و این موضوع موجب می‌شود تا اصلاحات حسابرسی در ارتباط با صورت‌های مالی صاحب‌کار کاهش یابد. با توجه به اینکه شواهد نشان می‌دهند نوع حسابرسی، هیچ‌گونه تأثیری بر دستکاری اطلاعاتی این شرکت‌ها نداشته است، چنین استنباط می‌شود که احتمالاً دستکاری اطلاعاتی شرکت‌ها عاملی تأثیرگذار بر نوع حسابرسی است. به عبارت دیگر، شرکت‌هایی که با حجم زیادی از دستکاری اطلاعاتی همراه هستند، تریبی اتخاذ می‌کنند تا مؤسسات حسابرسی کوچک حسابرسی آنها را انجام دهند؛ از این رو به لحاظ نظری انتظار بر این است که مواردی همچون مدیریت سود و مدیریت جریان نقد بر نوع حسابرسی تأثیرگذار باشند (وکیلی فرد، ۱۳۹۸). در حالی که، رحمانی و طالب‌نیا (۱۳۹۲) با مطالعه رابطه بین نوع حسابرسی (مؤسسات حسابرسی بزرگ و کوچک) و نوع گزارش حسابرسی (مقبول و غیرمقبول) با شاخص مدیریت سود، دریافتند که نوع حسابرسی در هیچ‌کدام از صنایع با شاخص مدیریت سود رابطه معناداری نداشته و نوع گزارش حسابرسی در صنایع خودرو، فلزات اساسی و مواد و محصولات دارویی رابطه معنادار و منفی با شاخص مدیریت سود داشته است.

۳- پیشینه تجربی پژوهش

پانگاستوتی و کوسوماواتی^{۱۲} (۲۰۲۳) در پژوهش خود تأثیر حاکمیت شرکتی خوب، قدرت سود، مسئولیت اجتماعی شرکت، ساختار سرمایه و رشد فروش بر اجتناب مالیاتی در شرکت‌های تولیدی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار اندونزی در سال‌های ۲۰۱۹ الی ۲۰۲۱ را بررسی نمودند. آنها از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده کرده و تعداد ۲۷۶ شرکت را به عنوان نمونه آماری انتخاب کرده و از تحلیل رگرسیون خطی چندگانه برای تحلیل داده‌ها استفاده نمودند. نتایج تحقیق نشان داد که قدرت سود و ساختار سرمایه بر اجتناب مالیاتی تأثیر داشته، در حالی که حاکمیت شرکتی خوب، مسئولیت اجتماعی شرکتی و رشد فروش هیچ تأثیری بر اجتناب مالیاتی نداشته‌اند. اولسمیدی (۲۰۲۲) اثرات کیفیت گزارشگری مالی، کیفیت حسابرسی و قدرت سود را بر عملکرد شرکت‌ها در شش کشور عربی شورای همکاری خلیج فارس (عربستان سعودی، بحرین، عمان، قطر، کویت و امارات متحده عربی) بررسی کرد. عملکرد شرکت در دوره بین سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۷ را در ۱۹۱ شرکت پوشش داده است. وی در مطالعه خود از تحلیل رگرسیون داده‌های پانل EGLS استفاده کرده است. نتایج تحقیق حاکی از آن بود که قدرت سود، کیفیت حسابرسی و

کیفیت گزارشگری مالی تأثیرات مثبتی بر عملکرد شرکت‌ها داشته است. شیشل و همکاران^{۱۳} (۲۰۲۲) تحقیقی با عنوان «مسئولیت اجتماعی شرکت و تأثیر بر ارزش افزوده اقتصادی: نقش نوآوری زیست محیطی» انجام دادند. نتایج تحقیق چهار یافته اصلی را نشان داد. شرکت‌هایی با شاخص مسئولیت اجتماعی شرکت بالا ارزش افزوده اقتصادی را کاهش دادند. نوآوری محیطی نقش میانجی در رابطه بین مسئولیت اجتماعی شرکت و ارزش افزوده اقتصادی داشته است. اندازه شرکت به طور مثبت اثر مسئولیت اجتماعی شرکت بر ارزش افزوده اقتصادی را تعدیل کرده و همچنین اندازه شرکت به طور مثبت اثر مسئولیت اجتماعی شرکت بر نوآوری محیطی را تعدیل کرده است. کیجکاسیوات و همکاران^{۱۴} (۲۰۲۲) به بررسی ساختار هیئت مدیره، عملکرد شرکت و اهرم مالی در اقتصادهای توسعه یافته و نوظهور پرداختند. یافته‌ها نشان داد که اهرم مالی رابطه بین حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت را در زمینه اقتصادهای توسعه یافته و همچنین در اقتصادهای نوظهور تحت تأثیر قرار داده است. علاوه بر این، عملکرد شرکت از طریق اهرم بیش از حد با حاکمیت شرکتی ارتباط منفی داشته است. مطالعه آنها نشان داد که هیئت مدیره مسئولیت دارد که از اهرم مالی پایین برای افزایش عملکرد شرکت استفاده کند. در کشورهای نوظهور، شرکت‌هایی با هیئت مدیره بزرگ از اهرم پایین استفاده می‌کنند، در حالی که در کشورهای توسعه یافته، شرکت‌هایی با هیئت مدیره کوچک از اهرم پایین برای افزایش عملکرد شرکت استفاده می‌کنند. المطاری و مگامال^{۱۵} (۲۰۲۰)، رابطه بین سازوکارهای حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت را مورد بررسی قرار دادند. همچنین، آنها نقش تعدیل‌کنندگی حساسی داخلی بر رابطه بین سازوکارهای حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت را آزمون نمودند. جامعه آماری تحقیق آنها شرکت‌های بورس عربستان طی سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۷ بوده است. نتایج پژوهش نشان داد بین اعضای غیرموظف هیئت مدیره، اندازه و استقلال کمیته حساسی و تخصص حساسی داخلی با عملکرد شرکت رابطه مثبت بااهمیتی وجود داشته است. همچنین، بین اندازه هیئت مدیره، اندازه واحد حساسی داخلی و تحصیلات کارکنان حساسی داخلی با عملکرد شرکت رابطه منفی بااهمیتی مشاهده شده است. علاوه بر این، نتایج نشان داد اندازه واحد حساسی داخلی بر رابطه بین اندازه هیئت مدیره و عملکرد شرکت اثرگذار بوده است.

فتحه و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهش خود تأثیر انتخاب حسابرسان بر کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را بررسی نمودند. به این منظور اطلاعات ۱۳۳ شرکت بر اساس متغیرهای پژوهش از طریق نرم‌افزار ره-آورد نوین استخراج و به کمک رگرسیون روش حداقل مربعات تعمیم یافته با رویکرد داده‌های پانل و به صورت اثرات ثابت مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج حاصل از آزمون فرضیه پژوهش نشان داد انتخاب حسابرسان تأثیر مثبت و معناداری بر کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها داشته است. آژنگ و همکاران (۱۴۰۲)، در یک پژوهش کیفی با عنوان «ارائه چارچوب مفهومی ارزیابی عملکرد در شرکت‌ها»، ابعاد و ویژگی‌های یک مدل ارزیابی عملکرد مناسب را روشن ساختند. آنها پژوهش خود را با استفاده از روش کیفی نظریه پردازی زمینه بنیان از طریق مصاحبه با خبرگان حوزه حسابداری مدیریت انجام داده و اقدام به ارائه چارچوب مفهومی ارزیابی عملکرد و الزامات مدل‌های ارزیابی عملکرد کرده‌اند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن بود که چارچوب مفهومی ارزیابی عملکرد در شرکت‌ها، در ابتدا محرک‌هایی را که منجر به ظهور پدیده ارزیابی عملکرد شده‌اند، شناسایی کرده است. در گام بعدی، طرح کلان ارزیابی عملکرد در قالب سه مرحله هدف‌گذاری، شاخص‌گذاری و ارزیابی و گزارشگری ارائه شده است. در این چارچوب، نتایج و پیامدهای مطلوب و نامطلوب نظام ارزیابی عملکرد و همچنین عوامل تأثیرگذار بر آن ارائه شده‌اند. سپس، بر اساس چارچوب مفهومی حاصل شده، چک لیست موارد قابل توجه در طراحی و ارزیابی مدل‌های ارزیابی عملکرد ارائه گردیده است. خورشید و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهش خود تأثیر مدیریت استانداردهای حسابداری، کیفیت گزارشگری مالی و کیفیت حساسی بر ارزش آفرینی شرکت‌ها را مورد بررسی قرار دادند. آنها در پژوهش خود داده‌های ۱۰۱ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۹۲ الی ۱۳۹۷ را گردآوری کرده و از روش رگرسیون چند متغیره به شیوه پانل دیتا برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده نمودند. یافته‌های پژوهش نشان داد مدیریت استانداردهای حسابداری، کیفیت گزارشگری مالی و کیفیت حساسی بر ارزش افزوده اقتصادی و ارزش افزوده بازار تأثیر معنی‌داری داشته است. بیک بشرویه و طاهری (۱۴۰۱) در پژوهشی به بررسی رابطه بین چسبندگی موجودی‌ها و عملکرد شرکت‌ها پرداختند. برای آزمون فرضیه تحقیق، داده‌های ترکیبی به تعداد ۷،۵۹۷ مشاهده (سال-شرکت) جمع‌آوری و مورد بررسی قرار گرفت که با توجه به تعریف متغیرها، صرفاً ۳،۹۷۵ مشاهده در حفاصل سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۹ باقی مانده و در آزمون فرضیه مورد استفاده قرار گرفتند. نتایج حاکی از آن بود که به صورت میانگین شرکت‌های ایرانی رویکرد مدیریت چسبندگی موجودی‌ها در دوره‌های کاهشی درآمدها را دنبال نموده که به صورت میانگین منجر به ایجاد هزینه‌های برای شرکت‌ها شده و اثر منفی بر عملکرد شرکت‌ها داشته است. تیرآبادی و تیرآبادی (۱۴۰۱) در پژوهشی به بررسی تأثیر سیاست پولی بر عملکرد شرکت‌ها با تمرکز بر تحریم مالی پرداختند. آنها با استفاده از داده‌های ۱۲۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بین سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۹ و روش رگرسیون خطی چند متغیره به آزمون فرضیه‌های پژوهش پرداخته شد. نتایج آزمون فرضیه اول نشان داد بین سیاست پولی و عملکرد شرکت‌ها رابطه معناداری وجود داشته و نتایج فرضیه

دوم حاکی از آن بود که متغیر تعاملی تحریم مالی رابطه بین سیاست پولی و عملکرد شرکت را تعدیل کرده است. اژدرزاده ونستان و آقازاده (۱۴۰۱) در پژوهشی به بررسی تاثیر رشد جریان‌های نقدی بر عملکرد شرکت با تأکید بر درماندگی مالی و اهرم مالی در شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. آنها از داده‌های ۱۰۱ شرکت انتخاب شده به عنوان نمونه آماری، در بازه زمانی بین سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۰ استفاده نمودند. نتایج پژوهش نشان داد که متغیر رشد جریان‌های نقدی تاثیر مثبت و معناداری بر عملکرد شرکت داشته است. همچنین، درماندگی مالی و اهرم مالی به ترتیب دارای تاثیر معکوس و مستقیم بر رابطه بین رشد جریان‌های نقدی و عملکرد شرکت‌ها بوده‌اند. ولی‌زاده لاریجانی و خدایی (۱۴۰۰) در پژوهشی به بررسی اثر تعدیل‌کننده کیفیت عملکرد حسابرسی داخلی بر رابطه بین کیفیت حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت پرداختند. جامعه آماری تحقیق آنها، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۸ بوده است. برای اندازه‌گیری کیفیت حاکمیت شرکتی از شاخص‌های درصد مالکیت سهامداران نهادی، استقلال اعضای هیئت‌مدیره و استفاده از متخصصان مالی و حسابداری در ترکیب اعضای هیئت‌مدیره و همچنین برای اندازه‌گیری کیفیت عملکرد واحد حسابرسی داخلی از شاخص‌های تخصص مدیر واحد حسابرسی داخلی، قدمت واحد حسابرسی داخلی و وضعیت برون‌سپاری واحد حسابرسی داخلی استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان داد بین کیفیت عملکرد واحد حسابرسی داخلی و کیفیت حاکمیت شرکتی با عملکرد شرکت رابطه مثبت معناداری وجود داشته؛ اما کیفیت واحد حسابرسی داخلی بر رابطه بین کیفیت حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت اثر تعدیل‌کنندگی نداشته است.

۴- فرضیه های پژوهش

بر اساس اهداف و سؤال اصلی پژوهش، فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر مطرح می‌شوند:

فرضیه اول: قدرت سود بر عملکرد شرکت‌ها تاثیر دارد.

فرضیه دوم: نوع حسابرس بر عملکرد شرکت‌ها تاثیر دارد.

۵- روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از لحاظ هدف، کاربردی و از نظر ماهیت داده‌ها، پژوهش کمی و از لحاظ روش شناخت، توصیفی از نوع همبستگی است و در زمره پژوهش‌های پس‌رویدادی قرار دارد. همچنین، این پژوهش از لحاظ بُعد زمان، گذشته‌نگر و از نظر طول زمانی داده‌ها، روش ترکیبی (زمانی-مقطعی) و به لحاظ روش جمع‌آوری اطلاعات، اسنادکاوی و کتابخانه‌ای می‌باشد. برای جمع‌آوری اطلاعات در مورد مبانی نظری و پیشینه پژوهش از روش کتابخانه‌ای و برای گردآوری داده‌های شرکت‌ها از بانک اطلاعاتی شامل نرم‌افزارهای داده‌پرداز تدبیر پرداز و ره‌آورد نوین و در مواردی صورت‌های مالی و یادداشت‌های همراه شرکت‌های عضو نمونه آماری و سایت بورس اوراق بهادار تهران استفاده گردید. پس از تلخیص اطلاعات با استفاده از نرم‌افزار اکسل، برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از الگوی رگرسیون خطی چند متغیره با استفاده از نسخه دوازدهم نرم‌افزار ایویوز ۱۶ استفاده شد. جامعه آماری پژوهش شامل شرکت‌های عضو بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۳ الی ۱۴۰۱ بود و نمونه آماری بر اساس معیارهایی به شرح نگاره (۱) تعیین شد.

نگاره ۱: معیارهای انتخاب نمونه آماری پژوهش

۶۴۹	تعداد کل شرکت‌های پذیرفته شده در بورس و فرابورس در پایان سال ۱۴۰۱
	معیارها:
(۲۱۶)	تعداد شرکت‌هایی که در بازه زمانی ۱۳۹۳ الی ۱۴۰۱ در بورس فعال نبوده‌اند.
(۹۶)	تعداد شرکت‌هایی از سال ۱۳۹۳ به بعد در بورس پذیرفته شده‌اند.
(۷۱)	تعداد شرکت‌هایی که جز هلدینگ، واسطه‌گری‌های مالی، بانک‌ها، لیزینگ‌ها و خدماتی نبوده‌اند.
(۵۵)	تعداد شرکت‌هایی که سال مالی آنها منتهی به ۲۹ اسفند نبوده و یا در بازه زمانی پژوهش تغییر سال مالی داده‌اند.
(۲۰)	تعداد شرکت‌هایی که وقفه معاملاتی بیش از ۳ ماه نداشته‌اند.
(۳۶)	تعداد شرکت‌هایی که در بازه زمانی پژوهش اطلاعات آنها در دسترس نمی‌باشد.
۱۵۵	تعداد شرکت‌های نمونه

پس از اعمال معیارهای بالا، از بین شرکت‌های جامعه آماری، تعداد ۱۵۵ شرکت (۱۳۹۵ سال-شرکت) به عنوان نمونه آماری انتخاب گردید.

۵-۱- مدل‌ها و اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش

برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، به پیروی از پژوهش اولسمدی (۲۰۲۲) از مدل‌های رگرسیونی زیر استفاده شده است:

مدل آزمون فرضیه اول:

$$TOBINQ_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 Epowr_{it} + \alpha_2 SIZE_{it} + \alpha_3 GROWTH_{it} + \alpha_4 LEV_{it} + \alpha_5 CFO_{it} + \varepsilon_{it}$$

مدل آزمون فرضیه دوم:

$$TOBINQ_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 AuditT_{it} + \alpha_2 SIZE_{it} + \alpha_3 GROWTH_{it} + \alpha_4 LEV_{it} + \alpha_5 CFO_{it} + \varepsilon_{it}$$

۵-۱-۱- متغیر وابسته - عملکرد شرکت

یکی از اهداف اصلی شرکت ها، افزایش سودآوری می باشد و بدیهی است سودآوری هر شرکت در گرو عملکرد آن در بازار است. لذا مالکان شرکت ها، در پی راه کارهایی جهت بهبود عملکرد خود می باشند. برای ارزیابی عملکرد شرکت ها، معیارها و ارزش های متفاوتی وجود دارد. در این پژوهش، برای اندازه گیری عملکرد شرکت از نسبت کیو توبین^{۱۷} استفاده شده که به صورت زیر محاسبه می گردد.

$$TOBINQ = \frac{COMVAL + SBOND + STDEBT}{SRC}$$

که در آن $COMVAL$ ارزش بازار سهام در پایان سال، $SBOND$ ارزش دفتری بدهی های بلند مدت در پایان سال، $STDEBT$ ارزش دفتری پایان سال بدهی های بلند مدت با سررسید کمتر از یک سال و SRC ارزش دفتری کل دارایی های شرکت در پایان سال است (نورالهزاده و همکاران، ۱۴۰۰).

۵-۱-۲- متغیر مستقل - قدرت سود

قدرت سود ($Epowr_{it}$) از طریق نسبت سود عملیاتی به کل دارایی محاسبه می شود. (اولسمدی، ۲۰۲۲).

$$EarningsPower_{it} = \frac{Operatingincome_{it}}{Totalassets_{it}}$$

۵-۱-۳- متغیر مستقل - نوع حسابرس

نوع حسابرس ۱۸ ($AuditT_{it}$) عبارت است از متغیری مصنوعی با مقدار صفر و یک. در پژوهش حاضر به پیروی از پژوهش نیکومرام و احمدزاده (۱۳۹۲) و وکیلی فرد (۱۳۹۸) مقدار یک برای شرکت هایی که سازمان حسابرسی (بزرگترین مؤسسه حسابرسی در ایران) به عنوان حسابرس مستقل خود انتخاب کرده اند و مقدار صفر برای شرکت هایی که سایر مؤسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی را به عنوان حسابرس خود انتخاب نموده اند.

۵-۱-۴- متغیرهای کنترلی

اندازه شرکت (SIZE): در این پژوهش به پیروی از پژوهش اولسمدی (۲۰۲۲) و نخعی و همکاران (۱۴۰۰)، از لگاریتم طبیعی میزان کل دارایی های شرکت های نمونه آماری به عنوان معیاری برای اندازه گیری شرکت استفاده شده است.

اهرم مالی (LEV): در این پژوهش به پیروی از پژوهش اولسمدی (۲۰۲۲) و نخعی و همکاران (۱۴۰۰)، اهرم مالی از نسبت کل بدهی به کل دارایی محاسبه شده است.

فرصت های رشد (GROWTH): به پیروی از پژوهش اولسمدی (۲۰۲۲) و نخعی و همکاران (۱۴۰۰)، از نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام به عنوان معیاری برای اندازه گیری رشد استفاده شده است.

جریان های نقد عملیاتی (CFO): به پیروی از پژوهش اولسمدی (۲۰۲۲) و نخعی و همکاران (۱۴۰۰)، جریان های نقد عملیاتی از نسبت جریان های نقد عملیاتی به کل دارایی محاسبه شده است. در تمامی موارد فوق با استفاده از دارایی های دوره مقیاس زدایی شده است. لازم به ذکر است که تمامی متغیرهای مدل های فوق بر اساس کل دارایی ها اول دوره، همگن شده اند.

۶- یافته های پژوهش

۶-۱- آمار توصیفی

آماره توصیفی متغیرهای کمی پژوهش در نگاره (۲) و متغیر کیفی نگاره (۳) در ارائه شده است.

نگاره ۲: آمار توصیفی متغیرهای کمی پژوهش

آماره / متغیر	عملکرد شرکت	قدرت سود	اندازه شرکت	اهرم مالی	فرصتهای رشد	های جریان عملیاتی نقد
تعداد:	شرکت	۱۵۵	۱۵۵	۱۵۵	۱۵۵	۱۵۵
	سال - شرکت	۱۳۹۵	۱۳۹۵	۱۳۹۵	۱۳۹۵	۱۳۹۵
میانگین	۳,۱۹۰	۰,۱۵۷	۱۴,۸۶۳	۰,۵۹۲	۰,۲۹۱	۰,۱۱۴
میانه	۱,۶۵۰	۰,۱۲۵	۱۴,۶۶۱	۰,۵۶۷	۰,۲۳۰	۰,۰۹۷
ماکزیمم	۲۰,۱۶۶	۰,۶۳۹	۲۱,۳۲۷	۳,۸۵۱	۱,۶۴۳	۰,۶۴۲
مینیمم	۰,۲۴۸	-۰,۳۲۷	۱۰,۵۳۲	۰,۰۵۷	-۰,۷۵۷	-۰,۶۲۷
انحراف معیار	۳,۶۹۱	۰,۱۵۵	۱,۵۷۸	۰,۳۰۷	۰,۲۷۰	۰,۱۵۰
چولگی	۲,۲۶۵	۰,۴۲۴	۰,۸۶۱	۴,۱۴۲	۰,۸۱۹	۰,۳۲۱
کشیدگی	۸,۲۹۰	۳,۲۹۰	۴,۵۶۴	۳۷,۸۷۶	۵,۱۷۲	۴,۶۶۷

* منبع: یافته‌های پژوهش

نگاره ۳: آمار توصیفی متغیر کیفی پژوهش

نوع حسابرس	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
سازمان حسابرسی	۳۳۰	۲۶/۶۵	۲۶/۶۵
سایر مؤسسات حسابرسی	۱,۰۶۵	۷۳/۳۵	۱۰۰
جمع	۱,۳۹۵	۱۰۰	

* منبع: یافته‌های پژوهش

مطابق نگاره (۲)، آمار توصیفی متغیرهای کمی پژوهش شامل شاخص‌های مرکزی (مانند میانگین، میانه) و شاخص‌های پراکندگی (مانند ماکزیمم، مینیمم، انحراف معیار، کشیدگی، چولگی و واریانس) برای دوره زمانی بین سال‌های ۱۳۹۳ الی ۱۴۰۱ می‌باشد. مهمترین شاخص مرکزی معمولاً میانگین است که شاخص اصلی برای مرکزیت داده‌ها محسوب می‌شود. به عنوان مثال، این مقدار برای متغیر قدرت سود برابر ۰/۱۵۷ است که نشان می‌دهد نسبت سود عملیاتی به کل دارایی‌های شرکت‌های نمونه آماری ۱۵/۷ درصد می‌باشد. در بخش شاخص‌های پراکندگی هم معمولاً انحراف معیار متغیرهای پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد. این شاخص نشان‌دهنده میزان پراکندگی از میانگین نمونه مورد آزمون می‌باشد. به عنوان مثال، کمترین این شاخص برای متغیر جریان‌های نقد عملیاتی برابر با ۰/۱۵۰ و بیشترین این شاخص برای متغیر عملکرد شرکت برابر با ۳/۶۹۱ می‌باشد که نشان‌دهنده بیشترین فاصله این متغیرها از مرکزیت داده مورد نظر است. نگاره (۳) نشان می‌دهد که تعداد ۳۳۰ سال-شرکت، یا ۲۶/۶۵ درصد شرکت‌ها توسط سازمان حسابرسی و بقیه توسط سایر مؤسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی، حسابرسی شده‌اند.

۲-۶-آزمون فرضیه‌های پژوهش

نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول پژوهش در نگاره (۴) ارائه شده است.
فرضیه اول: قدرت سود بر عملکرد شرکت‌ها تاثیر دارد.

نگاره ۴: نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول پژوهش

$TOBINQ_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 Epowr_{it} + \alpha_2 SIZE_{it} + \alpha_3 GROWTH_{it} + \alpha_4 LEV_{it} + \alpha_5 CFO_{it} + \varepsilon_{it}$					
متغیرها	ضرایب	خطا	آماره t	سطح معنی‌داری	آزمون هم‌خطی
قدرت سود	۲,۸۵۲	۱,۱۱۷	۲,۵۵۲	۰,۰۱۰	۱,۵۵۰
اندازه شرکت	۰,۳۱۷	۰,۱۴۴	۲,۲۰۲	۰,۰۲۷	۱,۲۴۴
فرصتهای رشد	-۸,۲۴۵	۰,۴۲۱	-۱۹,۵۵۷	۰,۰۰۰	۱,۱۴۴
اهرم مالی	-۱,۸۳۰	۰,۶۳۶	-۲,۸۱۷	۰,۰۰۴	۱,۳۵۵
جریان‌های نقد عملیاتی	۰,۲۲۱	۰,۹۱۵	۰,۲۴۲	۰,۸۰۸	۱,۲۰۵
C (عرض از مبدا)	۱,۴۸۵	۲,۲۸۴	۰,۶۵۰	۰,۵۱۵	-----
ناهمسانی واریانس	(۰,۰۰۰)۱۴۲۶۰,۰۴		دوربین واتسون	۱,۷۳۵	
ضریب تعیین	۰,۴۶۴		نوع آزمون	اف لیمر	هاسمن
ضریب تعیین تعدیل شده	۰,۳۹۴		آماره (سطح معنی‌داری)	۱,۲۶۷ (۰,۰۴۴)	۴۵,۷۳۵ (۰,۰۰۰)
معنی‌داری آماره فیشر	(۰,۰۰۰)۶۶۴۹		نوع رگرسیون	پانل - اثرات ثابت	

* منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به محاسبات حاصل از آزمون اف لیمر، سطح معناداری آن کمتر از ۵ درصد می‌باشد و بیانگر این است که مقاطع بررسی شده همگن نبوده و وجود تفاوت‌های فردی احراز شده است. بنابراین، الگوی فرضیه اول پژوهش استفاده از روش داده‌های تابلویی مناسب است و آزمون هاسمن تعیین کننده اثرات آن می‌باشد. همچنین، با توجه به نتایج حاصل از آزمون هاسمن و سطح معناداری آن که کمتر از ۵ درصد است، استفاده از روش مدل اثرات ثابت بر روش تصادفی ارجح می‌باشد. با عنایت به نتایج آزمون رگرسیون چند متغیره در نگاره (۴)، متغیر قدرت سود دارای سطح معناداری کمتر از ۵ درصد و ضریب ۲/۸۵۲ است، لذا قدرت سود بر عملکرد شرکت‌ها تاثیر معنی‌دار و مثبت دارد. علاوه بر این، از بین متغیرهای کنترلی اندازه شرکت، اهرم مالی و فرصت‌های رشد بر عملکرد شرکت‌ها تاثیر دارند. آزمون عدم خودهمبستگی بین متغیرهای پژوهش با استفاده از آماره دوربین-واتسون با مقدار ۱/۷۳۵ ناشی از عدم خودهمبستگی متغیرها است. مدل برازش شده با توجه به سطح معنی‌داری آماره فیشر که کمتر از ۵ درصد است از اعتبار کافی برخوردار می‌باشد. ضریب تعیین تعدیل شده نیز با مقدار ۳۹/۴ درصد نشان‌دهنده تغییرات متغیر وابسته در نتیجه متغیرهای موجود در مدل است. آماره VIF گزارش شده کمتر از ۱۰ می‌باشد که نشان از عدم وجود هم‌خطی در تخمین رگرسیون مدل پژوهش است. در نهایت، با توجه به وجود ناهمسانی واریانس (نتایج آزمون بارتلت) در تخمین نهایی مدل نسبت به رفع آن اقدام شده است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم پژوهش در نگاره (۵) ارائه شده است.

فرضیه دوم: نوع حسابرس بر عملکرد شرکت‌ها تاثیر دارد.

مطابق نگاره (۵) و با توجه به محاسبات حاصل از آزمون اف لیمر، سطح معناداری اف-لیمر بیشتر از ۵ درصد است، بنابراین نوع رگرسیون پول و اثرات آن مقید است. با عنایت به نتایج آزمون رگرسیون چند متغیره در نگاره (۵)، متغیر نوع حسابرس دارای سطح معنی‌داری بیشتر از ۵ درصد و ضریب ۰/۲۵۲- است. از این رو، به لحاظ آماری متغیر نوع حسابرس بر عملکرد شرکت‌ها تاثیر ندارد. متغیرهای کنترلی اندازه شرکت، اهرم مالی و فرصت‌های رشد بر عملکرد شرکت‌ها تاثیر دارند. آزمون عدم خودهمبستگی بین متغیرهای پژوهش با استفاده از آماره دوربین-واتسون با مقدار ۱/۷۱۱ ناشی از عدم خودهمبستگی متغیرها است. مدل برازش شده با توجه به سطح معنی‌داری آماره فیشر که کمتر از ۵ درصد است، از اعتبار کافی برخوردار می‌باشد. ضریب تعیین تعدیل شده نیز با مقدار ۵۱/۹ درصد نشان‌دهنده تغییرات متغیر وابسته در نتیجه متغیرهای موجود در مدل است. آماره VIF گزارش شده کمتر از ۱۰ می‌باشد که نشان از عدم وجود هم‌خطی در تخمین رگرسیون مدل پژوهش است. در نهایت، با توجه به وجود ناهمسانی واریانس (نتایج آزمون بارتلت) در تخمین نهایی مدل نسبت به رفع آن اقدام گردیده است.

نگاره ۵: نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول پژوهش

$TOBINQ_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 AuditT_{it} + \alpha_2 SIZE_{it} + \alpha_3 GROWTH_{it} + \alpha_4 LEV_{it} + \alpha_5 CFO_{it} + \varepsilon_{it}$					
متغیرها	ضرایب	خطا	آماره، t	سطح معنی‌داری	آزمون هم‌خطی
نوع حسابرس	-۰,۲۵۲	۰,۱۳۷	-۱,۸۴۱	۰,۰۶۵	۱,۰۹۳
اندازه شرکت	-۰,۱۳۰	۰,۰۴۱	-۳,۱۴۵	۰,۰۰۱	۱,۱۱۸
فرصت‌های رشد	-۷,۵۴۸	۰,۲۵۴	-۲۹,۶۹۳	۰,۰۰۰	۱,۰۹۲
اهرم مالی	-۵,۲۴۶	۰,۳۱۰	-۱۶,۹۰۶	۰,۰۰۰	۱,۲۴۱
جریان‌های نقد عملیاتی	-۰,۴۳۶	۰,۴۱۹	-۱,۰۴۰	۰,۲۹۸	۱,۱۲۲
C (عرض از مبدا)	۱۰,۱۰۴	۰,۷۰۵	۱۴,۳۱۹	۰,۰۰۰	----
ناهمسانی واریانس	(۰,۰۰۰)۱۲۳۹۵,۱۵	دوربین واتسون		۱,۷۱۱	
ضریب تعیین	۰,۵۲۲	نوع آزمون		اف لیمر	هاسمن
ضریب تعیین تعدیل شده	۰,۵۱۹	آماره (سطح معنی‌داری)		(۰,۰۵۱)۱,۲۵۴	
معنی‌داری آماره فیشر	(۰,۰۰۰)۲۰۷,۳۹۷	نوع رگرسیون		پول-اثرات مقید	

* منبع: یافته‌های پژوهش

۷- بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش، تاثیر قدرت سود و نوع حسابرس بر عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بررسی شده است. برای دستیابی به اهداف پژوهش و نیز آزمون فرضیه‌های پژوهش، داده‌های مربوط به ۱۵۵ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۳ الی ۱۴۰۱ مورد استفاده قرار گرفت. نتیجه آزمون فرضیه اول نشان می‌دهد که قدرت سود بر عملکرد شرکت‌ها تاثیر مستقیم و معنی‌داری دارد. سرمایه‌گذاران به بهترین بازده پول سرمایه‌گذاری شده خود نیاز دارند. صورت مالی دارای یک متغیر ابزاری است که می‌تواند اطلاعاتی در مورد بازده آتی شرکت‌ها ارائه دهد. قدرت سود، چشم‌انداز خوب بازده بالاتر را اندازه‌گیری می‌کند (فاتما و هایدایت، ۲۰۲۰). هراواتی و سولیح‌حه^{۱۹} (۲۰۱۹) ضمن بیان مفهوم قدرت سود به

عنوان یک شاخص خوب، نتیجه گرفتند که مدیران واحدهای تجاری تلاش می‌کنند که شرکت را به کارآمدترین روش اداره نمایند، لذا قدرت سود می‌تواند برای نظارت بر اقدامات مدیران مورد استفاده قرار گیرد. علاوه بر این، تحلیل‌گران مالی هم از قدرت سود شرکت‌ها برای تعیین و پیش‌بینی بازده در آینده استفاده می‌کنند. زمانی که شرکت‌ها فعالیت‌های عملیاتی خود را افزایش می‌دهند، دارایی‌ها به طور کارآمدتر مورد استفاده قرار می‌گیرند که این امر تأثیر مثبت بر عملکرد شرکت‌ها می‌گذارد (اولسمیدی، ۲۰۲۲). این نتایج با مبانی نظری پژوهش و تحقیقات اولسمیدی (۲۰۲۲)، ضارب (۲۰۱۶) و فاتما و هایدایت (۲۰۲۰) همراستا است.

آزمون فرضیه دوم نشان می‌دهد که نوع حسابرس بر عملکرد شرکت‌ها تأثیر ندارد. انتخاب حسابرس از جمله تصمیمات بسیار مهمی است که توسط سهامداران یک شرکت اتخاذ می‌شود. پدیده انتخاب حسابرس در سال‌های اخیر توجه بسیاری از محافل دانشگاهی و فعالان حرفه‌ای را به خود جلب کرده است. شرکت‌های حسابرسی بزرگ‌تر، تحت تأثیر صاحبکار قرار نگرفته و اصرار آنها را برای دریافت گزارش حسابرسی مقبول و غیرمشروط اجابت نخواهند کرد؛ لذا اندازه شرکت حسابرسی یا به عبارتی انتخاب نوع حسابرس، می‌تواند بر کیفیت حسابرسی و متعاقب آن بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیرگذار باشد (فتحه و همکاران، ۱۴۰۲). این نتایج با مبانی نظری پژوهش و پژوهش‌های اولسمیدی (۲۰۲۲) و خلیل (۲۰۲۲) همسو نیست. تداوم پژوهش‌ها در زمینه عملکرد شرکت‌ها می‌تواند به ارائه الگوهایی با خطای کمتر منجر شود که سرانجام به گسترش توسعه نظریه‌های حسابداری و کاربرد نتایج آنها در عمل کمک می‌کند. در این زمینه پیشنهادهایی در دو بخش کاربردی و پژوهشی قابل طرح است. همچنین، در این پژوهش عملکرد شرکت‌ها از طریق نسبت کیو توبین ارزیابی شده و ممکن است در صورتی که با معیارهای دیگر اندازه‌گیری شود، نتایج پژوهش متفاوت باشد. با توجه به نتایج فرضیه اول مبنی بر تأثیر مستقیم و معنی‌دار قدرت سود بر عملکرد شرکت‌ها، توصیه می‌شود استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی در پیش‌بینی‌ها و تصمیمات مربوط به سرمایه‌گذاری، اطلاعات مربوط به قدرت سود شرکت را بیشتر مدنظر قرار دهند. همچنین، پیشنهاد می‌شود نهاد قانون‌گذار بازار سرمایه و تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری و حسابرسی برای حمایت از صاحبان سرمایه، امکان تدوین روش‌های کنترلی مناسب را برای پیشگیری از گمراهی بازار در قیمت‌گذاری بهینه منابع از طریق وضع قوانین و استانداردهای جدید بررسی نمایند. از آنجا که نقش و اثر عوامل اقتصادی و سیاسی بر ریسک حاکم بر فعالیت‌های اقتصادی در بازار سرمایه ایران قابل توجه می‌باشد، به پژوهشگران پیشنهاد می‌گردد اثر این عوامل را در ارزیابی عملکرد شرکت و تأثیر قدرت سود بر آن، مورد مطالعه قرار دهند. علاوه بر این، پیشنهاد می‌شود پژوهشی با هدف بررسی تأثیر قدرت سود، گزارشگری مسئولیت اجتماعی و حاکمیت شرکتی بر عملکرد شرکت انجام شود.

همانند تمام پژوهش‌های علمی، انجام این پژوهش نیز دارای محدودیت‌هایی بوده است. با توجه به انتخاب نمونه از بین شرکت‌های تولیدی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران از طریق حذف سیستماتیک، لازم است در تسری نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش به سایر شرکت‌ها احتیاط شود. همچنین، متغیرهای این پژوهش بر اساس اطلاعات مندرج در صورت‌های مالی شرکت‌ها اندازه‌گیری شده است. اطلاعاتی که با استفاده از بهای تمام شده در دفاتر ثبت گردیده‌اند. در صورت تجدید ارزیابی و محاسبه قیمت بازار (تعدیل آنها) و استفاده از آن اطلاعات، نتایج به دست آمده متفاوت از نتایج پژوهش حاضر خواهد بود. با توجه به انتخاب سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۱ به عنوان دوره زمانی پژوهش، توصیه می‌شود در تعمیم نتایج پژوهش به سایر دوره‌های زمانی جوانب احتیاط رعایت شود.

منابع

۱. اژدرزاده ونستان، حامد و آقازاده، ترلان. (۱۴۰۱). بررسی تأثیر رشد جریان های نقدی بر عملکرد شرکت با تأکید بر درماندگی مالی و اهرم مالی در شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران. چشم انداز حسابداری و مدیریت، ۵(۷۳)، ۳۰-۱۵.
۲. آژنگ، احمد؛ اسدی، غلامحسین؛ باغومیان، رافیک و حاجی پور، بهمن. (۱۴۰۲). ارائه چارچوب مفهومی ارزیابی عملکرد در شرکت‌ها. دانش حسابداری، ۱۴(۱)، ۱۴۳-۱۶۹.
۳. بنی مهد، بهمن و معافی، رضا. (۱۳۹۲). کیفیت اقلام تعهدی و انتخاب حسابرس، فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی - سال یازدهم - شماره ۳۷، صص ۱۹ - ۲۵.
۴. بیک بشرویه، سلمان و طاهری، زهرا. (۱۴۰۱). بررسی رابطه بین چسبندگی موجودی‌ها و عملکرد شرکت‌ها. مطالعات حسابداری و حسابرسی، ۱۱(۴۳)، ۳۷-۵۴.
۵. تیرآبادی، علی و تیرآبادی، پیمان. (۱۴۰۱). بررسی تأثیر سیاست پولی بر عملکرد شرکت‌ها با تمرکز بر تحریم مالی. چشم-انداز حسابداری و مدیریت، ۵(۷۴)، ۹۱-۱۰۳.
۶. تیموری، محمود و حسنی دستگرد، معصومه. (۱۳۹۷). تحلیل جامعه شناسانه عوامل مؤثر بر عملکرد سازمان ها و شرکت ها در ایران با رویکرد فراتحلیل. دو فصلنامه جامعه شناسی اقتصادی و توسعه، ۷(۱)، ۲۳-۱.

۷. خورشید، سامان؛ کامیابی، یحیی و خلیل‌پور، مهدی. (۱۴۰۱). تأثیر مدیریت استانداردهای حسابداری، کیفیت گزارشگری مالی و کیفیت حسابرسی بر ارزش آفرینی شرکت‌ها. دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۱۱(۴۳)، ۱۰۷-۱۲۰.
۸. دهدشتی شاهرخ، زهره؛ ناطق، محمد؛ احسانی، راضیه (۱۳۹۶). تبیین رابطه قابلیت‌های بازاریابی و عملکرد مالی سازمان. مجله مدیریت بازرگانی، دوره ۹، شماره ۱، ۱۰۳-۱۲۸.
۹. رحمانی، سمیه و غلامی جمکرانی، رضا. (۱۳۹۵). تمرکز بر مشتری و عملکرد شرکت. حسابداری مدیریت، ۳۱(۳)، ۸۱-۹۱.
۱۰. رحمانی، هژار و طالب‌نیا، قدرت‌الله. (۱۳۹۲). رابطه بین نوع حسابرس و نوع گزارش حسابرس با شاخص مدیریت سود. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۵(۱۹)، ۲۳-۴۲.
۱۱. فتحه، محمدحسین؛ باقری علی‌آبادی، الهه و جعفری‌پور، میثم. (۱۴۰۲). تأثیر انتخاب حسابرس بر کیفیت گزارشگری مالی. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۱۵(۴)، ۱۳۹-۱۵۵.
۱۲. مشایخ، شهناز، (۱۳۸۲)، "بازده اضافی مدیریت فعال شرکت های سرمایه گذاری"، رساله دکتری حسابداری، دانشگاه عالمه طباطبائی
۱۳. نخعی، حبیب اله؛ یعقوبی، مصطفی و حیدرزاده، سعیده. (۱۴۰۰). مروری جامع بر معیارهای سنتی و نوین ارزیابی عملکرد مالی. مطالعات حسابداری و حسابرسی، شماره ۳۷، ۷۳-۹۴.
۱۴. نیکومرام، هاشم و احمدزاده، حمید. (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین کیفیت اطلاعات حسابداری و انتخاب نوع حسابرس در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. مطالعات کمی در مدیریت، ۴(۱۵)، ۱۳۹-۱۵۸.
۱۵. وکیلی فرد، حمیدرضا. (۱۳۹۸). اثر مدیریت سود و مدیریت جریان نقد صاحب کار بر نوع حسابرس مستقل (شواهد تجربی: بورس اوراق بهادار تهران). پیشرفت‌های حسابداری دانشگاه شیراز، ۱۱(۱)، ۲۹۱-۳۱۱.
16. Al Matari, E. M., & Mgammal, M. H. (2019). The moderating effect of internal audit on the relationship between corporate governance mechanisms and corporate performance among Saudi Arabia listed companies. *Contaduría y administración*, 64(4), 9.
17. Alsayegh M. F. Abdul Rahman R. & Homayoun S. (2020). Corporate economic environmental and social sustainability performance transformation through ESG disclosure. *Sustainability* 12(9) 10-39.
18. Alsmady, A. A. (2022). Quality of financial reporting, external audit, earnings power and companies performance: The case of Gulf Corporate Council Countries. *Research in Globalization*, 5, 100093.
19. Azizkhani, M., Monroe, G. S., & Shailer, G. (2010). The value of Big 4 audits in Australia. *Accounting & Finance*, 50(4), 743-766.
20. Banimahd B. & Vafaei E. (2012). The effects of client size audit report state ownership financial leverage and profitability on auditor selection: Evidence from Iran. *African Journal of Business Management* 6(11) 4100.
21. Cheng M. M. Dinh T. Schultze W. & Assel M. (2019). The effect of bonus deferral on managers' investment decisions. *Behavioral Research in Accounting* 31(2) 31-49.
22. Fatma, N., & Hidayat, W. (2020). Earnings persistence, earnings power, and equity valuation in consumer goods firms. *Asian Journal of Accounting Research*, 5(1), 3-13.
23. Herawaty, V., & Solihah, D. (2019a). The effect of Ceo Tenure, Managerial Skills and earning power on earnings manipulation with corporate governance as a moderating variable on manufacturing companies in Indonesia Stock Exchange. *Academy of Accounting Financial Studies Journal*, 23, 1-16.
24. Jiang H. Habib A. & Zhou D. (2015). Accounting restatements and audit quality in China. *Advances in Accounting* 31(1) 125-135.
25. Khalil, U. F. (2022). Auditor choice and its impact on financial reporting quality: A case of banking industry of Pakistan. *Asia Pacific Management Review*, 27(4), 292-302.
26. Kijkasiwat P. Hussain A. & Mumtaz A. (2022). Corporate Governance Firm Performance and Financial Leverage across Developed and Emerging Economies. *Risks* 10(10) 185.

27. Lawrence A. Minutti-Meza M. & Zhang P. (2011). Can Big 4 versus non-Big 4 differences in audit-quality proxies be attributed to client characteristics?. *The accounting review* 86(1) 259-286.
28. Pangastuti, I., & Kusumawati, E. (2023). Effect of Good Corporate Governance, Earnings Power, Corporate Social Responsibility, Capital Structure, and Sales Growth on Tax Avoidance. *The International Journal of Business Management and Technology*, 7 (1) 194-203.
29. Schiessl D. Korelo J. C. & Mussi Szabo Cherobim A. P. (2022). Corporate social responsibility and the impact on economic value added: the role of environmental innovation. *European Business Review* 34(3) 396-410.
30. Wang B. & Xin Q. (2011). Auditor choice and accruals patterns of cross-listed firms. *China Journal of Accounting Research* 4(4) 233-251.

1 Alsmady
 2 Fatma and Hidayat
 3 Alsayegh et al
 4 Companies Performance
 5 Chen
 6 Azizkhani et al
 7 Wang and Xin
 8 Earnings power
 9 Zarb
 10 Lawrence et al
 11 Jiang et al
 12 Pangastuti and Kusumawati
 13 Schiessl et al
 14 Kijkasiwat et al
 15 Al Matari and Mgammal
 16 Eviews
 17 Tobin's Q ratio
 18 Audit-Type
 19 Herawaty & Solihah